

جدول و سرگرمی برای کوچک و بزرگ

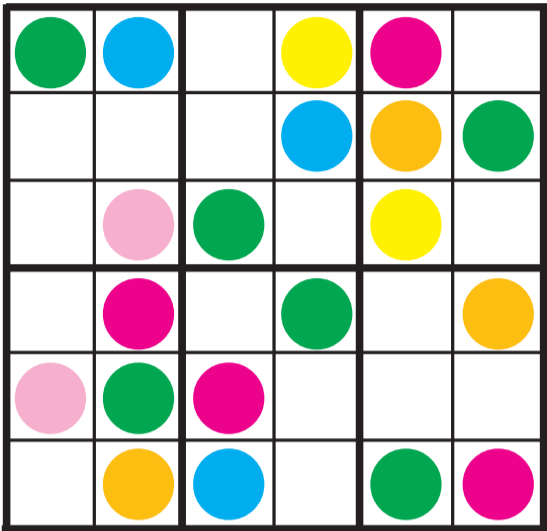
روزهای تعطیل و کشتار نوروز برای آن‌ها که برنامه‌ای برای سفر رفتن ندارند و بهترین کار را استراحت مطلق می‌دانند فرصت خوبی است تا کمی به ذهن و فکر خود نرمش بدهند! حل جدول و بازی‌های فکری یکی از راه‌هایی است که برای نیل به این منظور می‌تواند حسایی کاربرد داشته باشد. از این‌رو امسال در شماره ویژه نوروز «آتیه‌نو» تلاش کرده‌ایم شما را از این راهکار، بی‌نصب نگذاریم. با این هدف، در این صفحه، هم جدول‌های مختلفی برای بزرگ‌ترها طراحی کرده‌ایم و هم برای کودکانی که ممکن است از ماندن در خانه بی‌حوصله شده باشند، چند پیشنهاد سرگرم‌کننده ارائه داده‌ایم.

یکشنبه ● ۲۶ اسفند ۱۳۹۷ ● شماره صد و نود و چهار

جدول و سرگرمی

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵

● سودو کورنگ‌ها ●



اعداد ۱ تا ۹ را در یکی از سطرها و ستون‌ها و مربع‌های کوچک ۳ در ۳ به گونه‌ای قرار دهید که فقط یک بار نوشته شود.

پاسخ‌ها را در شماره بعدی نشریه، ملاحظه کنید.



به سلیقه خود رنگ‌آمیزی کنید

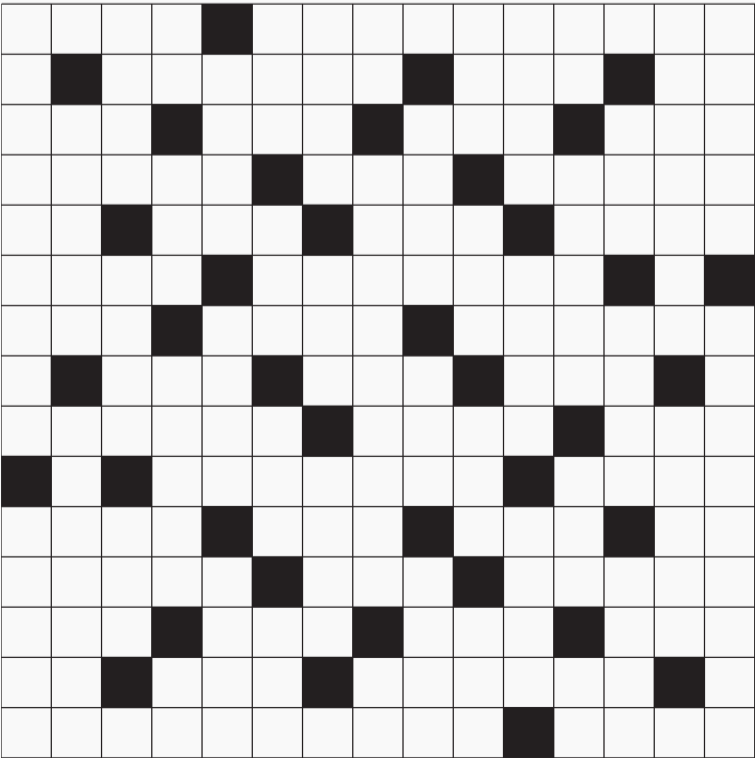
● تصویر گر: پرپسا عبدالوند ●



● شرح جدول شماره ۱۹۲ ●

● طراح: حمیدرضا عبدالوند ●

۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵



۱

۲

۳

۴

۵

۶

۷

۸

۹

۱۰

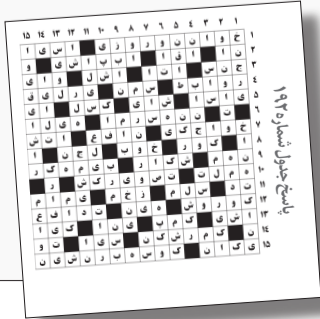
۱۱

۱۲

۱۳

۱۴

۱۵



افقی

- سفرهای رنگین که براساس عقیده ایرانیان باستان در ایام نوروز ارواح گذشتگان از جایگاه آسمانی خود به خانه‌های خویش بازمی‌گشتند و بازماندگان برای پذیرایی از آن‌ها این سفره رنگین را می‌گسترانند- قاره‌ای که رکورددار کودکان کار در جهان است
- آخرین رمق- خواجه و سرور - از جمله مراسم مشهور و بسیار معتبری که در نوروز باستان انجام می‌شد برای تطهیر و برای اطمینان یافتن از بارش باران کافی
- نوع و گونه- پدر و بزرگ آذری- رتبه استخدامی- نشانه درد و آزرده‌گی
- پیوندها- روغن، کره- فرمان مغولی
- قانون گنجیز- چای عرب- ترک زان‌لخیز- پنبامین محلول در روغن‌ها
- از شخصیت‌های روایت‌های کهن و ادبیات شفاهی که نمادی از تغییر و تحول در طبیعت و احوال آدمیان و نماد سکون و انجماد بوده- پرندهای شکاری‌گر و کوچک‌تر از باز
- دولتمندی، سروری- سودمند- ایرانیان کهن با بافروختن آن در پشت‌بام‌ها در یکی از چند شب آخر سال جشن سوری برگزار می‌کردند
- نابینا- بد نیست!- گل‌ولای
- عددی ترتیبی- تجحیر- شخص یا موسسه‌ای که کارش بیمه کردن است
- پرنده جایزه اسکار بهترین فیلم ۱۹۴۹ اثر لارنس الیویه- نگارگر
- مرگ آسمانی- پسر بزرگ فریدون- جراحت- کیوتر صحرایی
- بنیان‌گذار هخامنشیان که نوروز را در سال ۵۲۸، قبل از میلاد جشن ملی اعلام کرد- دفاع، راندن دشمن
- نوعی رشته خوراکی- اردوگاه- شهری در آلمان- مرزبان و حاکم
- بسیار سنگین، بسیار دشوار- نام قدیم کشور یمن شمالی- داخل
- از تقسیمات ارتش- یکی دیگر از مراسم نوروز باستانی که در اولین روز بهار شخصی که محاسن داشته‌بر الاغی سوارووی در شهر می‌گشته و شمار می‌خوانده که حاکی از وداع با زمستان و سرما بوده

عمودی

- نوعی کاکتوس- از جمله آیین‌های نوروزی که نشان از درهم ریختگی و هیجان و سپس نظم و نفاقت دارد
- کشوری در اقیانوسیه- در کنار دیگری یا دیگران
- حشره‌ای خونه‌خوار- کامل‌تر- پسر مازنی
- بوی تم- از سازهای زهی شبیه به گیتار- یک قسمت از شبانه‌روز- نخستین ضمیر

● «نوروز نوشت» ●

ضرب‌المثل‌های نوروزی

زیبایی بهار همواره موجب شده بسیاری از نویسندگان و شاعران سرزمین کهن ایران در وصف آن سخن بسرایند و همچون «صدای سخن عشق» گفتارشان اصلا تکراری نیست.

در ادبیات عامیانه و شفاهی مردم کوچه و بازار هم این فصل نمود خاصی دارد و آنچه در ضرب‌المثل‌ها، مثل‌ها، قصه‌ها و باورهای مردم آمده است نشانگر جایگاه خاص این فصل در زندگی مردم است.

عباراتی همچون:

«**سبیه بهار**» یا «**گدا بهار**»

از خشک‌سالی یا وقوع سیل و نزول برف و باران زیاد و بی‌موقع حکایت داشت. کافی بود در فصول پاییز و زمستان برف و باران به اندازه کافی نازل نشود و طبیعی بود که خطر بی‌آبی، کشاورزی دیم را تهدید کند و «قحط و غلا» پیامد این خشک‌سالی بود و کمبود میوه‌ها و غلات، گرانی آن‌ها را در پی داشت و در اینجا عبارت «سبیه بهار» مصداق می‌یافت. گویا در یکی از قحطی‌های سال‌های ابتدایی قرن حاضر بخیل شدن آسمان بر زمین چنان شد که افراد ختیر برای رفع گرسنگی مردم «دمپختک» در کوچه و خیابان بار می‌گذاشتند، با این حال تعداد بسیار زیادی از مردم تهران از گرسنگی تلف شدند.

در مقابل عبارت «سبیه بهار» که عموما مختص امور دام و کشاورزی بود، عبارت «گدا بهار» در مورد امور اداری و شاغلان در ادارات دولتی رایج بود.

برخلاف امروز که پول به شکل اسکناس بسیار و فراوان در بازار رواج دارد و دست‌به‌دست می‌شود و مازاد تورم هرساله ریشه در این درد بی‌درمان دارد، پول -اعم از مسکوک و اسکناس- چندان در بازار گردش نداشت و با توجه به درآمد اندک شاغلان در بخش دولتی، همچنین تعداد کم افراد شاغل در این رشته، اکثرا نقدینگی خود را در اسفند و فروردین از دست می‌دادند و برای ماه‌های بعد، دچار بی‌پولی می‌شدند و جالب آن بود که برخلاف این روزها، قیمت‌ها سیر نزولی پیدا می‌کرد و با آمدن میوه‌های گوناگون و فراوانی و ارزانی آن‌ها، باز هم قدرت خرید، چندان وجود نداشت و مردم در حسرت میوه‌های نورسیده می‌ماندند و عبارت «گدا بهار» مصداق می‌یافت.

حال نگاهی داریم به برخی از ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌های مردم تهران -یا منسوب به آن‌ها- همچنین ظرایفی که در این عبارات وجود دارند.

سالی که نکوست از بهارش پیداست
مصرع دوم این عبارت «ماستی که ترشه از تاغارش (تغارش) پیداست.» سال اگر «ترسال» بود و برف و باران به‌موقع می‌آمد، نکویی آن هویدا بود و اگر سرمای بی‌موقع موجب از بین رفتن سردرختی‌ها می‌شد، مردم آن را به بدیمنی تعبیر می‌کردند و از آنجا که ماست چرخ کرده -چربی گرفته تا انتها- فقط در تغار عرضه می‌شد و قیمت نازلی داشت و خریداران چندانی جز افراد فقیر و تهی‌دست نداشت، تغاری بودن ماست، دلیل بدی آن بود و این ضرب‌المثل در محاورات عامه می‌گشت.

بُزک نمیر بهار میاد، کُمبزه با خیار میاد
کمبزه یا کنبزه یا کنبیزه، نوعی خیار یا به‌عبارتی خربزه کال است و در صورت رسیدن، حلاوت و خوش خوراکی کال آن را ندارد. کمبزه بسیار کمیاب بود و از آنجا که خیار درختی شناخته شده نبود در زیر شمع و گلخانه هم بلد نبودند به عمل آورند، خیار نوبر هم بسیار گران بود و خوردن خیار نوبرانه و کالک کمبزه، کار هرکس نبود و وعده دادن آن، وعده سرخرمن بود و این ضرب‌المثل مصداق آن را دارد.

مثل ابر بهار

ابرهای بهاری رگبار به‌دنبال دارند و برخلاف امروز که تمامی خیابان‌ها آسفالت هستند و غیرقابل نفوذ، در گذشته کافی بود رگبار تندی «در بگیرد» و سیلاب در کوچه‌ها و خیابان‌ها سرازیر می‌شد و از آنجا که معبر و جوی چندانی وجود نداشت سیل لاجرم از راه می‌رسید عبارت «مثل ابر بهار» حکایت‌اشک سیل آسا را نیز تداعی می‌کرد.



کتی‌نو | ۱۳